

حقانیت اهل بیت علیهم السلام در شعر شافعی

علی مختاری

مقدمه

«ابو عبدالله محمد بن ادریس بن العباس» معروف به «الإمام الشافعی» (۱۵۰-۲۰۴ق) پیشوای مذهب شافعی - یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت - است. مذاهب چهارگانه به ترتیب تاریخی: مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی اند. او از طرف پدر و مادر قرشی است. وی نوه خواهر حضرت فاطمه بنت اسد، مادر امام امیرالمؤمنین علیه السلام است.^۱ از دو سالگی پدر را از دست داد و مادرش او را به مکه مکرمه برد. وی در جوانی حافظ قرآن شد و به دانشهای گوناگون دست

یافت؛ وی در میان قبایل هذیل، ربیع، مضر به سر برد و مسافرت‌های زیادی به یمن، حجاز، ایران، شام، مصر داشت. او فقه را از شاگردان ابن عباس، که خود شاگرد امیرالمؤمنین علیه السلام بود و برخی دیگر از شاگردان اهل بیت علیهم السلام فرا گرفت و نزد مالک و... شاگردی کرد و در عراق و مصر به تدریس و فتوا پرداخت. از وی به جز آثار فقهی، دیوان شعری به جامانده است که ۹ بار به نام دیوان الشافعی و ۷ بار به نام دیوان الامام الشافعی و نیز به نامهای

۱. دیوان الامام الشافعی، ص ۲۵؛ مائة أوائل من الرجال، ص ۴۸۸.

دیگر منتشر شده است.^۱

در بین اشعار او مواردی که نشانگر شدت علاقه او به اهل بیت است دیده می شود که اکنون نمونه هایی ذکر می شود.

آل بیت الرسول صلی الله علیه و آله

يا آل بيتِ رسولِ الله حُبُّكم

فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ

يُخْفِيكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْفَخْرِ أَنْتُمْ

مَنْ لَمْ يَصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ

«ای خاندان رسول خدا، محبت و دوستی شما از طرف خداوند واجب شده و این فریضه ای است که در قرآن نازل فرموده است.^۲

همین افتخار بزرگ برای شما بس که هر کس بر شما صلوات نفرستد نمازش، باطل است.»^۳

آل رسول الله صلی الله علیه و آله

أَلِ النَّسَبِ دَرَسْتِي

وَهُمُ الْبَيْتِ وَسَيْلَتِي^۴

۱. مأخذ ما در نقل اشعار و بسیاری از توضیحات، دیوان الامام الشافعی به تصحیح محمد عبدالرحیم و زیر نظر مکتب البحوث و الدراسات، چاپ دارالفکر بیروت، ۱۴۱۵ قی است.

۲. بیش از صد کتاب درباره فضایل اهل بیت علیهم السلام در قرآن کریم نوشته شده است، و این

بیت اشاره دارد به آیه مودت و آیه تطهیر و ...
۳. شاید اشاره است به تشهد نماز که واجب است بخوانیم: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» و درباره صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او، اهل سنت کتابهایی به نظم و نثر نوشته اند. و درباره چگونگی صلوات بر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله تقریباً به همان شکلی که پس از تکبیر دوم نماز میت می خوانیم توصیه شده است. ر.ک: کنز العمال، از فاضل هندی، شماره های: ۳۹۹۱-۴۰۱۴؛ سنن نسایی، کتاب السهو، باب ۴۹؛ سنن ابو داود، ص ۹۷۸ و ...

۴. دیوان، ص ۱۶۲، ش ۳۴.

۵. «ذریعه» یعنی وسیله و سبب برای رسیدن به چیزی؛ دست آویزی که انسان بتواند به کمک او خود را از مهلکه ننگه دارد. وسیله الی الله، چیزی است که می توان به سبب آن به درگاه خدا توسل جست و به رضا و قرب الهی نایل گشت. قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و به سوی او وسیله [و تقرب] جوئید و در راهش جهاد کنید باشد که رستگار شوید.» (مانده/۳۶).

از مصادیق وسیله، اهل بیت علیهم السلام هستند. و از مصادیقش مقام و درجه پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت است. آن حضرت دعا فرمود: «اللهم ربِّ هَلْوَةِ الدَّعْوَةِ الثَّائِمَةِ وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَابْعَثْ مَعَهُ مَخْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ (صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵۹، ج ۶، ص ۱۰۸، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۵۴؛ کنز العمال، ش (۲۰۹۸۳) و (۲۱۰۱۶) و (۲۱۰۱۹) و ...

در آغاز دعای ندبه می خوانیم: «... وَجَعَلْتَهُمُ الدَّرَجَةَ إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَي رِضْوَانِكَ؛ و پیامبر و آلش صلی الله علیه و آله را وسیله ای به سوی خودت و رضوانت قرار دادی.»

هم می‌ریزند [به آواز بلند به همگان

أَرْجُوهُمْ^۱ أُعْطِيَ عَدَا

يَلِي اليمِينِ صَحِيفَتِي^۲

«آل پیامبر ﷺ دستگیره و چنگ

آویز مند و همانان و سیله‌ام به سوی خدایند. امیدوارم که به [عنایت و حرمت آنان] فردای قیامت نامه اعمالم به دست راستم داده شود.»

مُحْصَبٍ وَ مَنِي^۳

ربیع بن سلیمان مصری (۱۷۴ - ۲۷۰

ق.) که یار و یاور و راوی کتابهای شافعی است گوید: «با شافعی در سفر حج بودیم. او بر هیچ تپه‌ای بالا و به هیچ سرازیر نشد، جز اینکه می‌گریست و این اشعار را زمزمه می‌کرد:

يَا رَاكِبًا قَفَّ بِالْمُحْصَبِ^۴ مَنِي

وَأَمْتِفَ بَقَاعِدِ خَيْفِهَا^۵ وَ النَّاهِضِ

«ای سواره در شنزار منی (که معروف

به خیف بنی کنانه است) بایست و همه حاجیان را، چه آنکه در [مسجد] خیف منی نشسته یا به نماز ایستاده، ندا بده.»

سَحْرًا إِذَا فَاضَ الْحَجِيجُ^۶ إِلَى مَنِي

فِيضًا كَمَا تَنْطِمُ^۷ الْغُرَاتِ الْفَائِضِ

«به سحرگاه هنگامی که سیل موج

حاجیان از مشعر سرازیر منی می‌گردد و بسان فرات موج و پرتلاطمی بر سر

۱. امید داشتن به شفاعت اهل بیت علیهم السلام روشن است؛ چنان که در آخر زیارت جامعه کبیره به درگاه الهی عرض می‌کنیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ الْإِبْرَارِ كَجَمَلَتَهُمْ شَفَعَائِي؛ ای خدای من، اگر به درگاه تو شفیعیانی مقرب‌تر از محمد و -خانداش - که ابرار و بهترینهايند - پیدا می‌کردم، حتماً آنها را شفیعیان خودم قرار می‌دادم.»

۲. روز قیامت نامه اعمال مؤمنان به دست راست و نامه تبهکاران از پشت سر یا به دست چپ داده می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ أَوْتَى كِتَابَهُ يَمِينَهُ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا سِيرًا وَيُنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مُسْرورًا وَأَمَّا مَنْ أَوْتَى كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ فَسَوْفَ يَدْخُلُهَا مُسْرورًا وَيَسْأَلُ سَعِيرًا...؛ اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود، او بزودی و بس آسان محاسبه شود و شادمان به سوی کسانش باز گردد و اما کسی که کارنامه‌اش از پشت سر به او داده شود، زود است که هلاک خویش خواهد و در آتش افروخته در آید.» (انشقاق/۱۲).

۳. قصیده شماره ۱۰۹، ص ۲۶۶ - ۲۶۷.

۴. «مُحْصَبٍ»: شنزار؛ محل رمی جمره، اگر به فتح صاد خوانده شود، شارح دیوان گوید: محلی است بین مکه و منی که به منی نزدیک‌تر است و دامنه بنی کنانه همان جاست و حدودش از حجون مکه به سوی منی شروع می‌شود.

۵. «خَيْفٌ»: دامنه کوه که حد فاصل ارتفاع کوه و گودیهای دره‌ها و سیلاب است. مسجد خیف که در منی قرار دارد. خیف به معنای اختیاف مردم یعنی دستجات مردم و طوایف گوناگون هم ذکر شده است.

۶. «الْحَجِيجُ»: جمع حاج.

۷. «مُتَلَطِّمٌ»: محل تلاطم موج آبها.

[بگو:

إِنْ كَانَ رَفُضًا حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ

فَلْيَشْهَدْ الشَّقْلَانِ أَنِّي رَافِضِي

«اگر دوستی آل محمد علیهم السلام سبب

رافضی بودن است، چه باک، جن و

انس شاهد باشند که بجد رافضی

هستم!!!»

وَأَخْبِرُهُمْ أَنِّي مِنَ النَّفَرِ الَّذِي

لَوْلَا أَهْلُ الْبَيْتِ لَيْسَ بِنَافِضٍ

«و جمعیت حجاج را خبر کن که

قطعاً من از آن گروهی هستم که نسبت

به ولایت و نصرت اهل بیت علیهم السلام [ثابت

قدم و هیچ گاه] عهد شکن نخواهم

بود.»

حُبُّ اهل البيت ۳

هنگامی که شافعی با صراحت،

محبت اهل بیت علیهم السلام را بر زبان آورد و

اصرار داشت که او از شیعیان و پیروان

آنان است، درباره او بگو مگوها و

شایعات زیادی بر سر زبانها افتاد؛

نهایتاً در پاسخ بدگوییها، چنین گفت:

إِذَا نَحْنُ فَضَلْنَا عَلَيَّا فَاتَانَا

رَوَافِضُ بِالْتَفْضِيلِ عِنْدَ ذَوِي الْجَهْلِ

«هنگامی که ما علی علیه السلام را بر

دیگران برتری دادیم، نزد افراد نادان،

ما رافضی قلمداد می شویم.»

سُفْنُ النِّجَاةِ ۴

وَلَمَّا رَأَيْتُ النَّاسَ قَدْ ذَهَبَتْ بِهِمْ

مَذَاهِبُهُمْ فِي أْبْحُرِ الْعَيِّ وَالْجَهْلِ

«وقتی مردم را دیدم که

مذهبهایشان آنان را در دریاهاى جهل

و گمراهی فرو می ریزد،»

رَكِبْتُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ فِي سُفْنِ النِّجَاةِ

وَهُمْ آلُ بَيْتِ الْمُصْطَفَى خَاتَمِ الرَّسُلِ ۵

۱. «رفض» یعنی ترک و چون شیعه نه با تزویر
حاکمان جور فریب خورد و نه تسلیم زور
طاغوتها شد و نه تن به تطمیع داد و در هر حال،
سران ستم اموی و عباسی را ترک کرد، «رافضه»
نامیده شد؛ البته دشمنان شیعه برای این تسمیه
و جوهی ناروا مطرح کرده اند. به هر حال نزد اهل
سنت، این تعبیر همراه با تحقیر برای شیعه به کار
می رود.

۲. «نفر» یعنی یک شخص، یک فرد، و نفر به
قبیله، قوم و گروهی که همراه کسی هستند گفته
می شود.

۳. ش. ۱۵۹، ص ۳۲۵.

۴. ش. ۱۶۷، ص ۳۳۴-۳۳۵.

۵. شارح گوید: نجات، رهایی و رستگاری
است. و این برگرفته از حدیث معروف است:
«مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَسَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ
عَنْهَا هَلَكَ (عُتْرَقَ)؛ مثل خاندانم بسان کشتی
حضرت نوح است که هر که بر آن کشتی سوار
شد نجات یافت و هر که و اماند، هلاک و یا غرق
شد.» و «رَكِبْتُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ» از این آیه شریفه ←

تَفَرَّقُوا؛ «همگی به حبل الله چنگ زیند و پراکنده نشوید.»

۲. «افتراق امت»

روایات فراوانی از شیعه و سنی به ما رسیده که پیامبر ﷺ فرمود: امتم ۷۳ فرقه می شوند و همگی جز یک فرقه در آتشند. در باب اول از مجلد ۲۸ کتاب شریف بحار الانوار، روایات فراوانی در این زمینه ذکر شده است؛ مانند: قال رسول الله ﷺ: «سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي مَا أُنِيَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ مِثْلَ بَيْتِلَ وَإِنَّهُمْ تَفَرَّقُوا عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ مِلَّةً، وَسَتَفَرَّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ مِلَّةً، تَزِيدُ عَلَيْهِمْ وَاحِدَةً كُلَّهَا فِي النَّارِ غَيْرَ وَاحِدَةٍ، قَالَ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا تِلْكَ الْوَاحِدَةُ؟ قَالَ: هُوَ مَا نَحْنُ عَلَيْهِ الْيَوْمَ أَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي؛

بزودی همان سرنوشتی که برای امت بنی اسرائیل پیش آمد برای امت من نیز پیش خواهد آمد و آنان ۷۲ فرقه شدند و بزودی امتم ۷۳ گروه خواهند شد؛ یکی بیش از آنها، تمامی این فرقه‌ها در آتشند [و منحرف] جز یک فرقه. از پیامبر ﷺ پرسیدند: آن یک فرقه ناجیه کدام است؟ فرمود: فرقه ناجیه همان است که امروز ما برآئیم؛ من و اهل بیتم. (بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳، ح ۲۰۴.)

اهل سنت، ذیل حدیث را به صورتهای ذیل تحریف می کنند: «مَا أَنَا عَلَيْهِ الْيَوْمَ وَأَصْحَابِي» با اینکه همین اصحاب در مراسم تجهیز خود پیامبر ﷺ و حضرت زهراء ﷺ و قیام علیه عثمان و جنگ صفین، جمل تا کربلا، هزاران بار اختلاف کردند. گاهی می نویسند: «هَمَّ أَهْلُ الشُّعْبَةِ». با اینکه خودشان می گویند اصطلاح شیعه و سنی بعدها پدید آمد و به ویژه تلاش می کنند پیدایش شیعه را هرچه بیشتر تأخیر بیاورند. (مجمع الزوائد هیشمی، ج ۱، ص ۱۸۹؛ کنز العمال، ش ۱۰۵۷ و ۱۰۵۸؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۱۰.)

۳. الرُّجَاةُ: اِكْتِمَالُ الْعَقْلِ وَالْحِلْمِ.

«با نام خدا به کشتیهای نجات

پیوستم و آنان اهل بیت حضرت

محمد مصطفی خاتم پیامبرانند ﷺ.»

وَأَمْسَكَتُ حَبْلَ اللَّهِ وَهُوَ وَلَاؤُهُمْ

کَمَا قَدْ أَمَرْنَا بِالْتَّمَسُّكِ بِالْحَبْلِ

«وچنگ زدیم به «حبل الله» و آن

ولایت آنان است؛ همان گونه که به ما

دستور داده اند که به حبل الله تمسک

جویم.»^۱

إِذَا افْتَرَقَتْ فِي الدِّينِ سُبُحُونَ فِرْقَةٌ

وَنِيْفًا كَمَا قَدْ صَحَّ فِي مُحْكَمِ النَّقْلِ

«هنگامی که امت واحده اسلامی

به بیش از هفتاد فرقه تبدیل شدند،

چنان که در روایت معتبر و محکم وارد

شده است.»

وَلَسْمَ يَأْكُ نَاجٍ مِنْهُمْ غَيْرَ فِرْقَةٍ

قَقْلُ لِي بِهَا يَا ذَا الرَّجَاةِ وَالْعَقْلِ

«و جز یک فرقه از آنها اهل نجات

نخواهد بود، ای صاحب کمال عقل و

برگرفته شده که از زبان حضرت نوح ﷺ

می فرماید: «ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسِيهَا».

۱. قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۰۳

می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا

حلم به من بگو.»

یارانشان سهمی داشته باشم.]»

أَفِي فِرْقِ الْهَلَكَ أَلْ مُحَمَّدًا^۱

فَسَخَّلَ عَلَيَّ لِإِمَامًا وَنَسَلِهِ

أَمْ الْفِرْقَةَ الَّتِي نَجَتْ مِنْهُمْ قُلُوبِي

وَأَنْتَ مِنَ الْبَاقِينَ فِي سَائِرِ الْحَلِّ

«آیا آل محمد در میان فرقه‌های

«پس علی و نسلش را به عنوان

هلاک و نابود شونده‌اند؟ یا آنان فرقه

امامان من رها کن [و به من واگذار] و

ناجیه و رستگارند؟ جواب مرا بده.»

تو نسبت به دیگران، آزادی.»

فَإِنْ قُلْتَ فِي النَّاجِينَ فَالْقَوْلُ وَاحِدٌ

وَإِنْ قُلْتَ فِي الْهَلَكَ حَفَّتْ عَنِ الْعَدْلِ

«پس اگر بگویی آل محمد در

۱. «أفي فرق الهلاك آل محمد» اشاره است به

۷۲ فرقه هلاک شونده. نظیر همین استدلال را

مبلغ توانا حضرت حجة الاسلام قرائنی در

دانشگاه چین بین دانشجویان سنی، از قرآن کریم

مطرح کرد؛ یعنی فهرست آیه‌هایی که می‌گوید:

اطاعت کنید را در یک ستون نوشت؛ مثل

واژه‌های: أَتَّبِعُوا، اتَّبِعْ، اطِيعُوا و... در مقابل ستونی

دیگر از مواردی که خداوند می‌فرماید: پیروی

مکنید مثل: لَا تَطِيعُوا، لَا تَتَّبِعُوا.

و نتیجه گرفت: آیا اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابی

بزرگوار که در محور آنان بودند مثل سلمان،

ابودر، مقداد، عمار یاسر، ابن عباس، ابن مسعود،

أبى بن کعب، جزو کدام گروهند و ما اکنون، جزو

کدام گروه می‌توانیم باشیم.

۲. «مولى القوم» اشاره است به حدیث غدیر که

در آن پیامبر درباره ولایت خویش پرسید: «أَلَسْتُ

أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ آیا از خودتان نسبت به شما

اولی [برتر] نیستم؟» یعنی ولایت حکومتی

ندارم؟ گفتند: بلی. فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَىٰ

مَوْلَاهُ؛ هر که من مولای اویم، علی علیه السلام هم مولای

او است.» شافعی گوید: وقتی مولای مسلمانان از

میان نجات یافتگانند که عقیده من و

شما یکی است [و مدعایم ثابت

خواهد شد] و اگر بگویی آنان جزو

نابود شونده‌اند، بی انصافی کرده‌ای

و از حق و عدل، کناره گرفته‌ای.»

إِذَا كَانَ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْهُمْ فَإِنِّي

رَضِيْتُ بِهِمْ مَا زَالَ فِي طَلَبِهِمْ طَلِبِي

«هنگامی که امام و مولای

مسلمانان از اهل بیت علیهم السلام باشد - که

چنین است - پس به ضرر قاطع

می‌گویم که من به همخطی و همگامی

با آنان خشنودم مادامی که منم بارش

من در میان بارانشان باشد [و در بین

آل بيت الرسول ﷺ

يَا آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حَبِّبُكُمْ
فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ
يَكْفِيكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْفَخْرِ أَنْكُمْ
مَنْ لَمْ يَصَلِّ عَلَيْكُمْ لِأَصْلَاةٍ لَهُ

آل رسول الله ﷺ

آلِ النَّبِيِّ ذُرِّيَّتِي
وَهُمْ وَأَلِيهِ وَسِبْطِي
أَزْجُوبِهِمْ أُعْطِيَ عَدَا
بِيَدِي الْيَمِينِ صَحِيفَتِي

مُخَصَّبٌ وَمِنَى

يَا رَاكِبًا قِفْ بِالْمُخَصَّبِ مِنْ مِنَى
وَاهْتَفِ بِسُقَاعِدِ حَسِيفِهَا وَالنَّاهِضِ
سَحْرًا إِذَا فَاصَّ الْحَجِيجُ إِلَى مِنَى
فِيضًا كَمَا تَطْمِئِنُّ الثُّرَاتِ الْفَائِضِ
إِنْ كَانَ رَفَضًا حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ
فَلْيَشْهَدْ الثَّقَلَانِ أَنِّي رَافِضِي
وَأَخْبِرْهُمْ أَنِّي مِنَ الثَّفَرِ الَّذِي
لِإِسْوَاءِ أَهْلِ الْبَيْتِ لَيْسَ بِنَاقِضِ

* * *

حُبُّ أَهْلِ الْبَيْتِ

إِذَا نَحْنُ فَضَلْنَا عَلَيَّا فَاتَنَا
رَوَافِضُ بِالْتَفْضِيلِ عِنْدَ ذَوِي الْجَهْلِ

* * *

سُفْنُ النِّجَاةِ

وَلَمَّا رَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ ذَهَبَتْ بِهِمْ
مَذَاهِبُهُمْ فِي أَبْحُرِ الْعَيِّ وَالْجَهْلِ
رَكِبْتَ عَلَى اسْمِ اللَّهِ فِي سُفْنِ النَّجَاةِ
وَأَمْسَكَتَ حَبْلَ اللَّهِ وَهُوَ وَلَاؤُهُمْ
وَإِذَا افْتَرَقَتْ فِي الدِّينِ سَبْعُونَ فِرْقَةً
وَلَكِنْ يَكُ نَاجٍ مِنْهُمْ غَيْرُ فِرْقَةٍ
أَفِي فِرْقِ الْهَلَاكِ آلُ مُحَمَّدٍ
إِذَا كَانَ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْهُمْ فَاِنِّي
فَخَلَّ عَلَيًّا لِي إِمَامًا وَنَسَلِيهِ
وَيَفَا كَمَا قَدْ صَحَّ فِي مُحْكَمِ النَّقْلِ
فَقُلْ لِي بِهَا يَا ذَا الرَّجَاةِ وَالْعَقْلِ
أَمْ الْفِرْقَةُ الَّتِي نَجَتْ مِنْهُمْ قُلْ لِي
رَضِيَتْ بِهِمْ مَا زَالَ فِي طَلَبِهِمْ طَلِي
وَأَنْتَ مِنَ الْبَاقِينَ فِي سَائِرِ الْجَلِّ